

ایران در لبه تیغ: چالش‌ها و فرصت‌های یک قدرت منطقه‌ای

اقتصاد ایران از همسایگان چقدر فاصله دارد؟



علیرضا رحیمی
دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد
سیاسی بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی

در سایه تحریم‌های ظالمانه و مشکلات فراینده اقتصادی، آینده اقتصاد ایران در حاله‌های از تردید قرار دارد. در حالی که کشورهای همسایه با سرعتی چشم‌گیر در حال توسعه و تنوع‌بخشی به اقتصاد خود هستند، به نظر می‌رسد که ایران با وجود داشتن منابع طبیعی غنی و موقعیت استراتژیک کم‌ظنیر، هم‌چنان در باتلاقی وابستگی به نفت و ناتوانی در اصلاحات زیرساختی اقتصادی گرفتار است. در مقابل، کشورهایی مانند ترکیه، قطر، عمان، امارات متحده عربی و عربستان سعودی با استفاده از سرمایه‌گذاری‌های کلان و جذب تکنولوژی‌های روز، در حال شکل‌دهی به آینده‌ای پربرق هستند. این مقایسه، تلخی و ناامیدی را در دل هر ایرانی زنده می‌کند. جمهوری اسلامی ایران، با موقعیت ژئوپلیتیکی حساس و منابع غنی انرژی، به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی در منطقه خاورمیانه شناخته می‌شود. این کشور در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی هم‌چون تحریم‌های بین‌المللی، نوسانات قیمت‌نفت، و رقابت‌های نرسخت و ژئوپلیتیکی روبه‌رو بوده است. ایران به‌عنوان پل ارتباطی بین آسیا و اروپا، اهمیت استراتژیک خاصی دارد؛ به‌ویژه تنگه هرمز که حدود ۲۰ درصد از ترانزیت نفت جهان - حدود ۲۰ میلیون بشکه نفت در روز- از آن گذر می‌کند. در زمینه منابع انرژی، ایران با دارا بودن ۱۵۷ میلیارد بشکه ذخایر نفتی و ۳۴ تریلیون مترمکعب ذخایر گاز، پس از روسیه در مقام دوم‌بزرگ گاز طبیعی جهان قرار دارد، نزدیک به یک درصد مساحت دنیا را دارد، حدود یک درصد منابع دنیا را در اختیار دارد، اما سهمش از GDP جهانی، از ۰/۵ درصد هم کمتر است. علاوه‌بر این، جمهوری اسلامی ایران در تحولات منطقه‌ای نیز نقش فعالی ایفا کرده است؛ و قدرت اقتصادی این‌بازیگر منطقه‌ای، خیلی باید بیشتر از چیزی که اکنون هست، باشد. تحریم‌های بین‌المللی، به‌ویژه در حوزه‌های بانکی و نفتی، به‌شدت اقتصاد این کشور را تحت‌تأثیر قرار داده؛ تا جایی که صادرات نفتی ایران در سال ۲۰۲۰ به ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت که معادل کاهش ۹۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۸ بود. این عوامل نشان‌دهنده وضعیت پیچیده و چالش‌های عمیق اقتصادی و مدیریتی ایران در صحنه بین‌المللی است. وضعیت اقتصادی ایران به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای تحت‌تأثیر وابستگی به نفت قرار دارد؛ به‌طوری که در سال گذشته، حدود ۵۰ درصد از درآمدهای دولت ایران از صادرات نفت تأمین شد. این در حالی است که کشورهای همسایه شرایط متفاوتی را تجربه می‌کنند:

عربستان سعودی در راستای کاهش وابستگی به نفت و تحقق اهداف «چشم‌انداز ۲۰۳۰» تلاش‌های گسترده‌ای انجام داده است. این برنامه با هدف تنوع‌بخشی به اقتصاد، توسعه بخش خصوصی، و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی طراحی شده است. اکنون، حدود ۴۰ تا ۳۰ درصد از درآمدهای دولت عربستان از منابع غیرنفتی تأمین می‌شود. این کشور به‌ویژه در حوزه‌های گردشگری (مانند پروژه‌های کلان «نوم» و «دریای سرخ»)، صنایع پتروشیمی، معدن، و فناوری‌های جدید سرمایه‌گذاری کرده و در حال توسعه بخش‌های خدمات مالی و خصوصی‌سازی شرکت‌های بزرگ دولتی مانند آرامکو است تا درآمدهای غیرنفتی خود را افزایش دهد.

امارات دیگر بازیگری است که به تنوع‌بخشی اقتصاد خود پرداخته. این کشور، به‌ویژه از طریق توسعه بخش‌های گردشگری، خدمات مالی، لجستیک، و حمل‌ونقل به کاهش وابستگی به نفت اقدام کرده است. امروز، حدود ۷۰ درصد از درآمدهای دولت امارات از منابع غیرنفتی تأمین می‌شود.

قطر نیز که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گاز طبیعی مایع

(LNG) در جهان است، تلاش‌های زیادی برای تنوع‌بخشی به اقتصاد خود انجام داده و اکنون، حدود ۵۵ تا ۶۰ درصد از درآمدهای دولتی قطر از منابع غیرنفتی و غیرگازی تأمین می‌شود. و سرانجام، عمان که حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از درآمدهایش از منابع غیرنفتی تأمین می‌شود. این کشور برنامه‌های بلندمدتی هم‌چون «چشم‌انداز ۲۰۴۰» دارد که هدف آن افزایش نقش منابع غیرنفتی در اقتصاد کشور است. از سوی دیگر، ایران در سال ۱۴۰۳ با نرخ تورم ۴۲ درصدی مواجه بود که این رقم در مقایسه با کشورهای منطقه نشان‌دهنده ناپایداری اقتصادی ایران است. هم‌چنین، نرخ بیکاری در ایران به حدود ۹ درصد رسید که در مقایسه با ۲/۲ درصد در قطر، ۴ درصد در عمان، ۴/۵ درصد در امارات، ۵/۳ درصد در عربستان و ۶/۶ درصد در ترکیه، بالاست. این مشکلات اقتصادی به‌ویژه ناشی از عدم تنوع کافی در اقتصاد ایران است؛ به‌طوری که در سال ۲۰۲۲، تنها ۱۴ درصد از GDP کشور از بخش‌های غیرنفتی تأمین شد، در حالی که کشورهای حاشیه خلیج فارس مانند قطر با رشد سریع بخش‌های غیرنفتی توانسته‌اند ۶۰ درصد از GDP خود را از این بخش‌ها تأمین کنند. چالش‌های پیش‌روی ایران نیز از جمله تحریم‌های بین‌المللی است که رفع آن‌ها نیازمند تغییرات اساسی در سیاست‌های داخلی و تعامل سازنده با بازار جهانی است. نوسانات قیمت نفت، که در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۱۲۰ دلار در هر بشکه رسید، نیز تأثیر مستقیم و عمیقی بر درآمدهای نفتی ایران داشته و کاهش وابستگی به این منابع، به‌عنوان یک راهکار ضروری مطرح می‌شود. علاوه‌بر این، رقابت‌های ژئوپلیتیکی و تنش‌های موجود در منطقه و سنگ‌اندازی‌های رژیم صهیونیستی، می‌توانند به کاهش ۱/۵ درصدی رشد اقتصادی ایران منجر شود.

برای تحقق توسعه پایدار و بهبود وضعیت اقتصادی ایران، چندین راهکار اساسی باید در دستور کار قرار گیرد. نخست، تنوع بخشی به اقتصاد از طریق تقویت بخش‌های غیرنفتی، توسعه صنایع کوچک و متوسط و جذب سرمایه‌گذاری خارجی امری حیاتی است؛ به‌ویژه که در سال ۲۰۲۲، سهم بخش خدمات در GDP ایران حدود ۵۳ درصد بوده و با برنامه‌ریزی مناسب، این سهم می‌تواند افزایش یابد. در کنار این، اصلاحات ساختاری نظیر بهبود نظام بانکی و ایجاد محیط کسب و کار مناسب با ضرورت‌های مهمی به شمار می‌روند؛ به‌طوری که ایران در حال حاضر در رتبه ۱۲۷ از ۱۹۰ کشور در گزارش بانک جهانی در خصوص سهولت کسب و کار قرار دارد. در حالی که امارات، قطر، عربستان و عمان به ترتیب در رتبه‌های ۱۶، ۴۷، ۶۲ و ۷۸ هستند. در این مرحله، دیپلماسی اقتصادی فعال باید در اولویت قرار گیرد؛ تقویت روابط با کشورهای همسایه و مشارکت واقعی در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌تواند به بهبود جایگاه ایران در نظام بین‌الملل کمک کند و ایجاد توافقات تجاری به افزایش صادرات غیرنفتی، که در سال ۱۴۰۳، حدود ۴۰ میلیارد دلار رسید، یاری رساند. هم‌چنین، مبارزه مؤثر با فساد و ایجاد سازوکارهای نظارتی قوی و شفاف‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری می‌تواند به رشد اقتصادی ۵ تا ۵ درصد کمک کند. نهایتاً، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش و ارتقای سطح مهارت‌های نیروی کار امری ضروری است، اکنون، به‌ویژه باتوجه به نرخ بیکاری ۲۳ درصدی جوانان در سال ۱۴۰۳ که نشان‌دهنده نیاز به برنامه‌های آموزشی و حرفه‌ای مناسب است. این اقدامات در کنار یکدیگر می‌توانند به تحکیم پایه‌های اقتصادی ایران و بهبود موقعیت آن در عرصه بین‌الملل منجر شوند. ایران با دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی حساس و منابع غنی انرژی، پتانسیل بالایی برای ایفای نقش مؤثر در منطقه و نظام بین‌الملل دارد. اما چالش‌هایی چون تحریم‌های بین‌المللی، وابستگی به نفت و نوسانات اقتصادی، مانع از تحقق این پتانسیل شده است. برای پیشرفت و بهبود وضعیت اقتصادی، ایران نیازمند اتخاذ سیاست‌های هوشمندانه، تقویت دیپلماسی و تنوع‌بخشی به اقتصاد خود است. تنها از طریق این راهکارهایی می‌تواند به سمت رشد پایدار و توسعه همه‌جانبه حرکت کند و آینده‌ای معقول را متصور شود.

۲

تیتریک

HEADLINE ONE

دور جدید سفرهای منطقه‌ای وزرای خارجه ایران و آمریکا

همزمان با تشدید تنش‌ها آغاز شد

آتش در ضاحیه
دیپلماسی در خاورمیانه

خاطره خوب از سفر به تهران و دیدار با رهبر انقلاب ایران پرداخت و ابراز امیدواری کرد که باز هم در تهران حاضر شود. پادشاه بحرین بر توقف هر گونه جنگ و تجاوز در منطقه تأکید کرد و گفت که بحرین به دنبال زندگی عزتمندانه برای تمام مردم منطقه است.

▼ بلینکن در خاورمیانه

با افزایش سطح تنش، وزیر امور خارجه آمریکا نیز راهی منطقه شد. سفر اخیر بلینکن به خاورمیانه که از اسرائیل آغاز شد، یازدهمین حضور او در منطقه پس از آغاز جنگ است. بر اساس بیانیه‌ای رسمی که دستگاه دیپلماسی آمریکا منتشر کرد، دیگر مقاصد سفر آنتونی بلینکن در جریان این سفرها مشخص نشده است. اما اخیراً غیررسمی حاکی از آن است که وزیر خارجه آمریکا پس از پایان رایزنی‌ها در اسرائیل، به قاهره سفر خواهد کرد. از عربستان، قطر، امارات و اردن نیز به‌عنوان دیگر مقاصد سفر بلینکن یاد می‌شود. در بیانیه وزارت خارجه آمریکا آمده است: «بلینکن در سفر به خاورمیانه در مورد اهمیت پایان دادن به جنگ غزه، آزادی گروهان‌های اسرائیلی و لزوم دستیابی به راه‌حل دیپلماتیک بین اسرائیل و حزب‌الله رایزنی خواهد کرد.»



گروه خبر: در حالی که شامگاه یکشنبه و بامداد دوشنبه، ضاحیه جنوبی بیروت زیر بمباران شدید نیروی هوایی اسرائیل قرار داشت و تنش در منطقه افزایش یافته، وزیر امور خارجه کشورمان دور جدیدی از سفرها را برای رایزنی‌های دیپلماتیک فشرده آغاز کرد. سیدعباس عراقچی عصر دیروز تهران را به مقصد منامه، پایتخت بحرین ترک کرد و پس از انجام رایزنی‌ها و ملاقات‌ها، به کویت می‌رود. دور جدید سفرهای رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان در حالی کلید خورد که جنوب‌و پایتخت لبنان زیر آتش قرار دارد و درگیری‌های زمینی شدید در نوار غزه به خصوص اردوگاه‌های پناهندگان نیز ادامه پیدا کرده است. روز یکشنبه احسان داکسافرمانده تیپ ۴۰۱ زرهی ارتش اسرائیل همراه با سه افسر ارشد دیگر، در کمین مین‌های حماس افتادند و کشته شدند. داکسافرشدترین نظامی صهیونیست محسوب می‌شود که در جریان جنگ فعلی کشته شده است.

▼ مخالفت پادشاه بحرین با جنگ

وزیر خارجه ایران شب گذشته با پادشاه بحرین دیدار کرد. عراقچی در این دیدار، از لزوم تلاش‌های جدی کشورهای منطقه برای توقف جنایات و نسل‌کشی رژیم صهیونیستی گفت و خواستار توسعه روابط دو کشور شد. عیسی بن سلمان آل خلیفه نیز در این دیدار ابتدابه

مهمان ناخوانده

درباره دعوت از فاروق اعظم مشاور وزارت آب افغانستان به همایش تخصصی آب در دانشگاه تهران

و تأکید بر اینکه مقامات این کشور اجازه دهند کارشناسان ایرانی از میزان موجودی آب پست سد کجکی بازدید و مقدار آن را گزارش کنند. فاروق اعظم اظهاراتی کرد که از آن به‌عنوان اعلام غیررسمی منشور سیاست‌های طالبان قبل قیال حقیقه ایران یاد شد. به‌عنوان مثال او در بخشی از سخنانش معاهده ۱۳۵۱ هیرمند را ناشی از حسن‌نیت و علائق برادرانه و نه حق ایران قلمداد کرد و مدعی شد که در زمان انعقاد این قرارداد ایران در مقابل آب در اسناد جداگانه موافقت کرده که افغانستان از بندر چابهار به صورت رایگان استفاده کند و همچنین ایران متعهد شده که مبلغ ۲ میلیارد دلار کمک بلاعوض به افغانستان کرده و برای دسترسی این کشور به چابهار راه‌آهن و جاده‌سازی احداث کرده و سه‌بند ذخیره آب هم در افغانستان بسازد. فاروق اعظم همچنین در این اظهارات مدعی شده بود که در یک پروتکل جداگانه ایران حاضر بوده که آب اضافه از افغانستان بخرد. او همچنین در اظهاراتی عجیب مدعی شده بود که براساس ماده ۷ قرارداد ۱۳۵۱ احداث هر گونه تاسیسات مربوط به آب در هر دو طرف مرز زیاد با مشورت یکدیگر باشد. در حالی که این ماده از قرارداد فقط در مورد ابنیه فنی مشترکی بوده که احداث آن به منظور استحکام بستر رود در مواضعی که خط سرحد در بستر رود هیرمند واقع شده است. از طرف دیگر در ماده ۵ این معاهده تصریح شده که افغانستان نباید اقدامی کند که ایران را از حقیقه آن از آب رود هیرمند که مطابق احکام مندرج مواد ۲ و ۳ و ۴ این معاهده تثبیت و محدود شده بعضاً یا کلاً محروم سازد. با این حال این تخطی از مفاد عهدنامه هیرمند با احداث بند انحرافی کمال‌خان توسط افغانستان انجام و آب رود هیرمند به سمت شوره‌زار گودرز منحرف شد.

جالب آنکه فاروق اعظم به عنوان دانش‌آموخته مهندسی آب بدون اشاره به نقش سدهای کجکی و ارغنداب در افزایش مصارف هیرمند در افغانستان به این نکته تأکید می‌کند که گودرز یک شوره‌زار دائمی است اما علت خشکیدن این شوره‌زار را احداث چابهارها در ایران و کوچ اهالی این منطقه می‌داند. او حتی این راه‌هم می‌گوید که افغانستان همواره به جای استیفای حقیقه ایران طبق جدول زمانبندی معاهده، اقدام به فرستادن سیلاب‌هایی به ایران کرده که قدرت کنترل آن را نداشته است. او در سخنان خلاف‌واقع دیگر مدعی شده که افغانستان، با اخذ موافقت ایران تصمیم به ساخت بند کمال‌خان گرفت و ایران با ساخت دو بند دیگر روی هلمند نیز موافقت کرده است تا آب مورد نیاز مردم نیمیروز افغانستان را تأمین و تقاضای زار عین سیستم را مرتفع کند. در حالی که در واقع در هیچ‌یک از اسناد معاهده هیرمند و یادداشت‌های سیاسی مبادله‌شده بین دو طرف در یکصد سال اخیر نتها چنین سندی موجود نیست بلکه دولت ایران در سال‌های گذشته بارها طی یادداشت‌های مختلف، به احداث سد کمال‌خان و تخلف از معاهده اعتراض و مخالفت رسمی کرده است.

با توجه به اهمیت این دعوت با حسین فرزین، پژوهشگر سابق دیپلماسی آب در مرکز پژوهش‌های استراتژیک ریاست جمهوری و محسن روحی‌صفت، دیپلمات سابق ایران در افغانستان گفت‌وگو کردیم.

▼ ریسک دعوت از دانشمندی با تفسیرهای خلاف واقع

حسین فرزین، پژوهشگر دیپلماسی آب معتقد است که اگر چه دعوت از دانشمندان در سمنبهارها و تقدیر و تشکر از آنها باعث نزدیکی ملل می‌شود و رفتاری مطلوب است که می‌تواند باعث ایجاد گفت‌وگو مشترک میان دو



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

«قرار است مشاور طالبان در امور آب، به عنوان دانشمند برگزیده جهان اسلام در دانشگاه تهران به‌عنوان «آب برای صلح» سخنران کلیدی باشد. اگر این تقدیر، پشت‌پرده‌ای دارد که هیچ‌انگه، به‌دلیل مواضع ضد صلح و ضد ایرانی ایشان در دعوت تجدیدنظر کنید.» پیامی که مهدی فصیحی‌هرندی، پژوهشگر سابق مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری در حوزه دیپلماسی آب در شبکه اجتماعی ایکس نوشت. در بخشی از این دعوتنامه که به امضای رئیس کرسی در باب‌زات آب، دانشگاه تهران رسیده، آمده است: «با توجه به اهمیت و نقش تعیین‌کننده آب در امنیت غذایی و توسعه پایدار کشورهای جهان اسلامی و مقام علمی جنابعالی در بین دانشمندان آبی جهان اسلام، دانشگاه تهران تمایل دارد تا در سال جاری جنابعالی را به‌عنوان سخنران کلیدی نشست‌های حوزه آب انتخاب نماید و از جنابعالی دعوت می‌نماید در حوزه مدیریت صلح آب در هر زمانی که برای شما مقدور است به دانشگاه تهران تشریف آورده و ما را از سخنرانی خود بهره‌مند فرمایید.»

دعوت از فاروق اعظم مشاور ارشد مشاور عبداللطیف منصور؛ سرپرست وزارت آب و انرژی افغانستان از آن جهت قابل تأمل است که مسئله آب از دیرباز تا امروز یکی از کانون‌های تنش و تعامل میان ایران و افغانستان بوده است. این کشور همواره از تأمین حقیقه ایران در منطقه هیرمند سرباز زده و حتی انعقاد تفاهم‌نامه موسوم به هیرمند در سال ۱۹۷۳ میلادی و ۱۳۵۱ خورشیدی هم نتوانسته است این کشور را به رعایت تمام و کمال مفاد عهدنامه پایبند کند. این دعوت از فاروق اعظم که بر برخی از او به‌عنوان توریسین سیاست‌های آبی افغانستان یاد می‌کنند، از آن جهت عجیب است که اعظم اظهارات بسیاری داشته که نشان‌دهنده نگاه ابرازی او به مسئله آب به‌عنوان اهرم فشاری علیه ایران و برای پیشبرد اهداف افغانستان در ایران است. تضادی عجیب برای استفاده از او به‌عنوان سخنران کلیدی همایش «آب برای صلح» در دانشگاه تهران و تقدیر از او در این همایش.

▼ فاروق اعظم کیست؟

فارغ از اینکه علت دعوت از فاروق اعظم به‌عنوان سخنران کلیدی چنین همایشی چیست و آیا او حضور در چنین همایشی را می‌پذیرد یا خیر اما شناخت بیشتر از این سیاست‌گذار حوزه آب افغانستان و اندیشه‌های او ضروری به نظر می‌رسد. فاروق اعظم، دانش‌آموخته دکتری مهندسی منابع آب در دانشگاه لندن است و مدتی هم‌رهبر انجمن تغییر مسالمت‌آمیز افغانستان، رئیس مرکز مطالعات افغانستان و عضو گروه تحقیقات منابع آب در دانشگاه لندن بوده است. او در دولت‌های پیش از طالبان از جمله مجاهدین، حامد کرزی و اشرف غنی هم حضور داشته است. اعظم در سال ۱۴۰۱ به پیشنهاد دفتر نخست‌وزیری طالبان مشاور سرپرست وزارت آب و انرژی افغانستان شد.

در خردادماه ۱۴۰۲ و ۱۲ روز پس از اختلال ابراهیم رئیس، رئیس جمهور وقت ایران به افغانستان مبنی بر جدی گرفتن حقیقه مردم سیستان از هیرمند

گزارش
یکگزارش
دو

رویداد بین‌الملل

یک رسانه اسرائیلی مدعی شد:

دسترسی هکرهای مرتبط با ایران به اطلاعات مهم سران تل آویو

▼ طرح دوباره یک ادعا

هاآرتص هم‌چنین مطرح کرده است که «هکرها پس از کسب اطلاعات گسترده، داده‌ها را به تحلیل‌گران منتقل و در صورت تشخیص بااهمیت بودن داده‌های هک‌شده، به عملیات مخفیانه خود ادامه می‌دهند. قربانیان از این عملیات آگاه نخواهند شد.» در ادامه، این نشریه اسرائیلی با اشاره به ادعای کارزار انتخاباتی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و نامزد حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور پیرامون هک شدن اطلاعات او توسط «هکرهای وابسته به ایران»، مدعی ارتباط حملات سایبری صورت‌گرفته علیه مقامات رژیم صهیونیستی و ادعای ترامپ شد. این ادعا در حالی است که ایران همواره اظهارات ترامپ و کارزار انتخاباتی او مبنی بر «خواست ایران برای تأثیرگذاری روی انتخابات آمریکا» را رد کرده و تاکنون سندی برای تأیید این ادعا منتشر نشده است. هاآرتص هم‌چنین عنوان کرده است که اسرائیل در حال اتخاذ اقدامات قانونی برای حذف اطلاعات هک‌شده است، اما در «حذف اطلاعات موفق نبوده و پس از پاک شدن کانال‌های تلگرامی وابسته به هکرها، کانالی دیگر ایجاد می‌شود.»

گروه خبر: رسانه اسرائیلی هاآرتص مدعی دسترسی هکرهای وابسته به «سرویس اطلاعاتی ایران» به ایمیل‌های مهم دست‌کم چهار مقام کنونی و پیشین رژیم صهیونیستی شد. در این گزارش تأکید شده است که هکرها در حال انتشار اطلاعات سران رژیم صهیونیستی، از جمله فهرست مخاطبین یک مقام ارشد این رژیم هستند. به گزارش ایسنا، هاآرتص به نقل از یک منبع امنیتی رژیم صهیونیستی مدعی شد: «این حملات سایبری، بخشی از جنگ سایبری بین اسرائیل و ایران است. اکنون، جنگ روانی، تحقیر و ایجاد هرج و مرج بسیار روح‌یافته‌تر از گذشته است و اطلاعات حساس مقامات مذکور در سایت «اختصاصی» هکرها منتشر و لینک اطلاعات مقامات در کانالی در پیام‌سان تلگرام قرار گرفته است. طبق ادعای این نشریه، هکرها مقامات رژیم صهیونیستی را تهدید به انتشار اطلاعات «اینتر گولان»، رئیس حزب کارگر رژیم صهیونیستی و «کمال پنحاسی» سخنگوی فارسی‌زبان رژیم صهیونیستی کرده‌اند. این رسانه همچنین تأکید کرده است که «هدف اصلی این گروه، تأثیرگذاری روی انتخابات و کارزارهای مختلف است و این گروه، یک سامانه برای تشدید حملات سایبری بسیار موفقیت‌آمیز خود برای تأثیرگذاری روی اقتصاد اسرائیل توسط جنگ روانی و ایجاد هراس است.»